

امپریالیسم اطلاعاتی

جریان یکسویه اطلاعات از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال پیشرفت

نوشته: دینک چومینگ *

ترجمه: حسن نورائی بیدخت

اقتصادی، روان‌شناختی، تکنولوژیکی و فرهنگی‌ای قرار می‌گیرند که توسط امپریالیسم اطلاعاتی وارد می‌شود. از لحاظ نظری، با پیشرفت‌های فناوری که به سرعت همه جا در دسترس قرار گرفته و بیشتر قابل بهره‌جویی واقع می‌شود، کشورهای در حال پیشرفت بی‌تردید می‌توانند به صورت مؤثرتری در این بزرگراه اطلاعات به هم پیوندند. ولی کار آسانی نیست. اگر چه بسیاری از کشورهای جهان سوم ممکن است استقلال یافته باشند و اگر چه ممکن است بسیاری از اعمال امپریالیستی را کنار گذارده و تحولات گسترده‌ای را از سرگذرانده باشند ولی بسیاری از این کشورها، به مدد یک استیلای فرهنگی اعمال شده از طریق جریان اطلاعات، همچنان به اربابان استعمارگر سابق خود

انبوه اطلاعات از طریق رسانه‌های مختلف، آزادانه از غرب به سوی کشورهای در حال پیشرفت سرازیر می‌شود. این جریان یکسویه هم به نفع و هم به زیان دریافت‌کنندگان آن است. از یک طرف، ورود کتاب و نشریات، اطلاعات در زمینه‌های گوناگون را اشاعه می‌دهد. ولی از طرف دیگر، این امر باعث می‌شود کشورهای جهان سوم تحت انقیاد نفوذ فرهنگی غرب قرار گیرند. اطلاعات و رسانه‌ها ابزاری هستند که مراکز قدرت برتر از لحاظ اطلاعات و فناوری، آنها را جهت ایجاد رضایت و شکل‌دهی طرح‌های ایدئولوژی همگانی به نفع خودشان مورد استفاده قرار می‌دهند. در حالی که اطلاعات از مرزهای ملی و فرهنگی گذر می‌کنند، بسیاری از کشورهای جهان سوم تحت فشارهای سیاسی،

وابسته‌اند.

امپریالیسم فقط جنبه سیاسی ندارد بلکه درباره باورها، ارزش‌ها، و جهان‌بینی‌ها نیز کاربرد دارد. امپریالیسم توجیه اقدامات دست‌اندرکاران قدرت را نیز در برمی‌گیرد. از این‌رو، امپریالیسم اقتصادی، آموزشی، فکری و اطلاعاتی نیز وجود دارد. در مقاله حاضر سعی می‌شود تأثیر امپریالیسم اطلاعاتی غرب بر کشورهای جهان سوم به طور اعم و بر کشورهای جنوب‌شرق آسیا به‌طور اخص نشان داده شود.

ابتدا باید به پرسش‌های بسیاری که در این زمینه وجود دارد، پاسخ گفت. امپریالیسم اطلاعاتی چیست؟ این امپریالیسم چطور شکل گرفت؟ پیامدهای آن کدام است؟ آیا کشورهای جهان سوم که برای کمک به توسعه خود به فناوری اطلاعات (IT) توسل می‌جویند، راه درست را می‌پیمایند؟ آیا کشورهای جهان سوم می‌توانند بدون آن که قربانی این امپریالیسم بشوند، وارد عصر اطلاعات شوند؟ آیا آنها می‌توانند به وابستگی پایان بخشند و با عزت و غرور در بزرگراه اطلاعات به حرکت در آیند؟ در این شبکه درهم تنیده قدرت، و در چارچوب فرآیند غیرقابل اجتناب جهانی‌شدن، کشورهای جهان سوم چه جایگاهی دارند؟ جهانی‌شدن و امپریالیسم چطور به هم مرتبطند؟ چرا نفوذ خارجی این چنین تأثیرگذار است و چرا سنت‌های محلی، محبوبیت محلی خود را از دست می‌دهند؟ چرا محصولات فرهنگی غربی آنچنان جاذبه دارند که بسیاری از محصولات

■ انبوه اطلاعات از طریق رسانه‌های مختلف، آزادانه از غرب به سوی کشورهای درحال پیشرفت سرازیر می‌شود. این جریان یکسویه هم به نفع و هم به زیان دریافت‌کنندگان آن است.

محلی در مقایسه با آنها بی‌ارزش و آسیب‌پذیر توصیف می‌شوند؟ این که در کشورهای جهان سوم، بسیاری از مردم تحصیل‌کرده و طبقه متوسط به خاطر یک جایگزین برانگیزنده، برای کسب اطلاعات به رسانه‌های همگانی خارجی روی می‌آورند تا چه اندازه صحت دارد؟ سازمان‌های خبری و اطلاع‌رسانی بین‌المللی از قبیل رویترز، تایمز، نیوزویک، فاریسترن اکونومیک ریویو، سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، آی‌بی‌سی، اسوشیتدپرس (AP) و خبرگزاری فرانسه (AFP) تا چه اندازه یک ساختار خبری و اطلاعاتی فراهم می‌آورند که گزینه‌هایی واقعی پیش‌روی مردم سراسر جهان قرار دهند؟ آیا کشورهای در حال پیشرفت تخصص و فناوری لازم در اختیار ندارند؟

جریان یکسویه اطلاعات از کشورهای پیشرفته غرب و شمال به کشورهای در حال پیشرفت شرق و جنوب از طریق کانال‌هایی چون کتاب، روزنامه، مجله، پایگاه‌های اطلاعاتی، فیلم، نرم‌افزار کامپیوتر،

کنفرانس‌های بین‌المللی، و حتی جهانگردی عملی می‌شود. ما نه تنها با کمیت محض محصولات اطلاعاتی‌ای سروکار داریم که مردم را به تقلید و پذیرش ایده‌ها و سبک زندگی غربی وا می‌دارد، بلکه باید الگوهای مالکیت شرکت‌های چندشاخه رسانه‌ای و اهمیت آنها در درون ساختار سیاسی و اقتصادی ابرکشورهایی چون ایالات متحده آمریکا را نیز مورد مطالعه قرار دهیم (شیلر Schiller، ۱۹۹۶). ما باید در نظر داشته باشیم که استیلای امواج هوایی و امواج کابلی از اهداف واقعی سیاست خارجی امریکاست، درست به همان‌گونه امواج دریایی زمانی از بالاترین امتیازات و حقوق انحصاری بریتانیای کبیر بود. بدین ترتیب، تلاش دولت کلینتون برای ایجاد یک سیستم زیرساخت جهانی اطلاعات (GIIS) و در عین حال استدلال به طرفداری از آزادسازی اقتصادی در سطح جهان، حیرت‌انگیز نبود. در واقع، این سیستم‌های

جهانی تا چند دهه بدان قدرت خواهد بخشید تا سرویس‌دهی، خرید نرم‌افزار، و استانداردهای سیستم را دیکته کند. اما ایجاد GIIS صرفاً فرصتی بازرگانی برای ایالات متحده نیست. زیرساخت حمایتگر آن، با توسعه قوانین بین‌المللی و فناوری سخت‌افزار، حتی حیرت‌انگیزتر نیز بوده و بر ماهیت سیاست جهانی تأثیر خواهد گذاشت. GIIS به‌طور قطع به معنای آن خواهد بود که فناوری اطلاعات همچنان تحت‌کنترل ایالات متحده باقی خواهد ماند.

گاهی از امپریالیسم اطلاعاتی به

عنوان استعمار اطلاعاتی یا حتی امپریالیسم سبیرنتیک یا استعمار نو نیز یاد می‌شود. صرف‌نظر از هر واژه یا اصطلاحی که به کار برده شود، آنچه با آن سروکار داریم نوع تازه‌ای از کنترل اجباری است که در مقایسه با استعمار گذشته، به مراتب زیان‌بارتر است. قربانیان، دچار اشکال متعددی از امپریالیسم زیرکانه هستند: اطلاعاتی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی. غرب از دیرباز از مالکیت روزنامه‌ها و زنجیره‌های چاپ و نشر کتاب و نشریه برای کنترل پخش تلویزیونی و ماهواره‌ای، تولید CD-ROM و پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده کرده است و اکنون کنترل فزاینده‌ای بر محتوای شبکه جهان گستر اینترنت (WWW) اعمال می‌کند. علاوه بر استیلای جهانی بر جابه‌جایی اطلاعات، موسیقی امریکایی، فیلم‌های سینمایی امریکایی، فناوری امریکایی، غذای آماده امریکایی، اطلاعاتی امریکایی و سایت‌های میزبان اینترنتی آن، چنان مطلوب و چنان دیدنی است که در حال حاضر

تقریباً همه جا حضور دارند. آنها بر سلیقه‌ها و ذائقه‌ها و در نتیجه زندگانی بسیاری از مردم تأثیر می‌گذارند و ناگزیر علایق و خواسته‌های در واقع همه ملت‌ها را به سوی ارزش‌های غربی سوق می‌دهند و چه از طریق محتوای اطلاعات ارائه شده و چه از طریق نابودی باورها و ارزش‌های سنتی، بر استیلای خود می‌افزایند (جیانگ، Jiang، ۱۹۹۷؛ روچ، Roach، ۱۹۹۷؛ سنگوپتا Sengupta و فیرث Firth، ۱۹۹۷).

امپریالیسم اطلاعاتی غرب شامل انتقال ارزش‌ها از چند کشور قدرتمند در اروپا و ایالات متحده به حدود ۱۶۰ کشور ضعیف و محروم در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین است. در میان نظریه‌هایی که در باب توضیح و تشریح این امر وجود دارد، دو گروه برجسته، نظریه‌های وابستگی و نظریه‌های مرتبط با رابطه بین مرکز و پیرامون هستند. هر دو گروه اصولاً استدلال می‌کنند که کشورهای دارای کنترل بر اطلاعات نسبت به دیگران، از نفوذ سیاسی و اقتصادی برخوردار خواهند شد. نفوذ غرب از طریق اطلاعات، برنامه‌های سرگرم‌کننده، سرمایه‌گذاری، مالکیت رسانه‌های همگانی، و انتقال فناوری گسترش خواهد یافت (کلارک، Clark، ۱۹۹۱) و از این لحاظ با کنترل استعماری که از طریق نظامیان، مبلغان و پیمان‌های نابرابر با حکام و رؤسای قبایل اشاعه می‌یافت، کاملاً تفاوت دارد.

کسب سهم بازار از راهکارهای فوق‌العاده امپریالیسم اطلاعاتی است که غالباً به واسطه سیاست‌های خارجی و اقتصادی، پنهان می‌شود. هنگامی که رفاه اقتصادی، توسعه، نوگرایی و در واقع آینده بشر هر چه بیشتر با مسائلی چون امنیت، راهبردهای نظامی، عملیات روان‌شناختی و جنگ الکترونیکی گره می‌خورد، وابستگی جهان سوم نه تنها کاهش نمی‌یابد که عمیق‌تر نیز می‌شود.

فناوری، جهانی‌سازی و نظریه‌های مربوط به امپریالیسم اطلاعاتی

امپریالیسم جهانی در قرن شانزدهم به صورت استعمارگری اروپا آغاز شد، هر چند بحث و بررسی‌های مربوط به آن صرفاً در قرن نوزدهم شروع شد (رابرتسون، Robertson، ۱۹۹۲). اروپایی‌سازی به عنوان اشاعه فرهنگ برتر اروپا و به عنوان همگانی‌سازی الگویی از توسعه که اروپا را در اوج تمدن جهانی قرار می‌داد، چیزی جز امپریالیسم اطلاعاتی نبود. یک «قانون ضروری» به عنوان یک گریزناپذیری یا اجبار به جهان

تحمیل می‌شد و مردمان استعمارزده و سرزمین‌هایشان به عوامل تولید مبدل شدند. اما ارتباط امپریالیسم اطلاعاتی با جهانی‌سازی را می‌توان از لحاظ تاریخی با خیزش کاپیتالیسم در قرن نوزدهم مرتبط دانست و بعد از آن بود که این امپریالیسم به واسطه فناوری اطلاعات در قرن بیستم، تقویت شد، با نگاهی به گذشته، می‌توان دید که این نوآوری‌ها و ابداعات در فناوری‌های حمل‌ونقل، ارتباطات و اطلاعات بود که سد مکان را درهم شکست و ما در سال‌های بین ۱۸۵۰ و ۱۹۵۰ تحولات عمده‌ای را در نقشه جهان تجربه کردیم. به بیان دیگر، این کابل و تلگراف بود که در نیمه نخست قرن نوزدهم فعالیت جهانی را آغاز کرد. این فعالیت با پشتیبانی قدرت دریایی، استعمارگری سیاسی را به امپریالیسم اطلاعاتی بدل کرد (رانتینن، Rantinen، ۱۹۹۰: ۳۷، ۴۳ به نقل از کری، Carey، ۱۹۸۹: ۲۱۲).

این جنبش با پیدایش یک نظم نوین جهانی ارتباطات که عمدتاً تحت سلطه شرکت‌های چند شاخه غربی قرار دارد، به طرز فزاینده‌ای آشکار شد. درهم شکستن این ساختار دشوار است و علت آن نه فقط تمرکز سریع شرکت‌های رسانه‌ای و تجاری شدن صنایع رسانه بود بلکه فناوری‌های ارتباطات کامپیوتری و رقومی (دیجیتالی). که آن هم تحت کنترل سازمان‌های بین‌المللی غربی قرار داشت. که به تازگی توسعه یافته و توانش یا پتانسیل بی‌سابقه‌ای برای کسب قدرت دارد، نیز در آن تأثیر داشت. آمیزش آنچه

بدان اشاره شد و عوامل دیگر، ابزاری در اختیار سازمان‌های یادشده بالا قرار می‌دهد که محصولات اطلاعاتی را به گونه‌ای پایان‌ناپذیر و هرگاه که بخواهند به تمام نقاط جهان به ویژه به نقاطی که در آن دارای منافع اصولی هستند، ارسال کنند.

اگر چه ایالات متحده در جنگ ویتنام شکست خورد ولی منافع رسانه‌ای آن در آسیا تا حدودی به واسطه رشد اقتصادی فوق‌العاده در منطقه آسیا - اقیانوس آرام (آسیا - پاسیفیک)، اهمیت راهبردی جنوب شرقی آسیا، گسترش تجارت فرامنطقه‌ای اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، و رشد جهانگردی و مبادله برنامه‌های مختلف در خاور دور، همچنان بالاست. همه این عوامل به تلاش یک شرکت چند شاخه غربی برای مالکیت رسانه‌ای در این کشورها کمک کرده است. تلاش مزبور به واسطه گشایش درهای بازارهای ارتباطات راه دور ملی به روی سرمایه‌گذاری خارجی، تشدید شده است.

■ در حالی که اطلاعات از مرزهای ملی و فرهنگی گذر می‌کنند، بسیاری از کشورهای جهان سوم تحت فشارهای سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی، تکنولوژیکی و فرهنگی‌ای قرار می‌گیرند که توسط امپریالیسم اطلاعاتی وارد می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط شرکت‌های رسانه‌ای جهت ایجاد شبکه‌های ارتباطات راه دور به معنای آن بوده است که کنترل دولت‌های جهان سوم بر کانال‌های اطلاع‌رسانی مورد استفاده شهروندان کاهش پیدا کرده است (غزالی ۱۹۹۸، نلسون Nelson، ۱۹۹۸:۸). فناوری‌های اطلاعات پیشرفته از قبیل سیستم‌های مخابراتی ماهواره‌ای و کانال‌های تلویزیونی جهانی جدید، نه تنها بازار جهانی رسانه را شکل بخشیده، بلکه امپریالیسم سیاسی سنتی را نیز تقویت کرده است.

امپریالیسم اطلاعاتی به عدم توازن جریان اطلاعات، که نه تنها از پیشرفت‌های عظیم فناوری‌های پخش رادیو و تلویزیونی و اینترنتی بلکه از صدور گسترده محصولات فرهنگی غربی، مخصوصاً امریکایی، ناشی می‌گردد، نیز مربوط می‌شود برخلاف استعمار سیاسی، امپریالیسم اطلاعاتی از طریق شرکت‌های چند شاخه عمل می‌کند. سازمان‌ها و مؤسسات قدرتمند و حرفه‌ای دست‌اندرکار اطلاعات، از قبیل رویترز انگلیس، آسوشیتدپرس (AP) و یونایتدپرس (UPI) امریکا و خبرگزاری فرانسه (AFP) از طریق زرادخانه روزنامه‌ها، کتاب‌ها، نشریات، پخش‌های رادیو و تلویزیونی و ماهواره‌ای CD-ROM، صفحات خانگی اینترنتی، و پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی، بخش‌های اطلاعاتی وسیعی را تحت سیطره خود دارند. بوید بارت (Boyd، ۱۹۸۶) در تحلیل‌های محتوای

■ گاهی از امپریالیسم

اطلاعاتی به عنوان استعمار

اطلاعاتی یا حتی امپریالیسم

سایبرنتیک یا استعمار نو نیز

یاد می‌شود.

خبر خود به‌طور قابل انتظاری نتیجه‌گیری کرد که اکثریت فراگیر جریان‌های خبری جهان از شمال به جنوب و از غرب به شرق است.

مشاهده این که امپریالیسم اطلاعاتی به چه نحوی در این زیرساخت جدید اطلاع‌رسانی عمل می‌کند، چندان دشوار نیست.

بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت، با اعتقاد به رابطه تنگاتنگ موجود میان توسعه اقتصادی، نوگرایی و صنعتی‌سازی از یک طرف و تراکم ارتباطات راه دور و ایجاد اطلاعات از طرف دیگر، نکته‌ای که توسط

ماسودا (Masuda، ۱۹۸۱) و دردیک (Dr Dick) و وانگ (Wang، ۱۹۹۳) برجسته شد. فناوری اطلاعات را به عنوان محملی برای توسعه

برگزیده‌اند. آنان از جهانی‌سازی و آزادسازی اقتصادی پشتیبانی کرده و پیوسته خویشتن را به یک اقتصاد بازار پای‌بند نگاه داشته و در این

فرآیند، بازارهای داخلی را به روی شرکت‌های چند شاخه رسانه‌ای غربی باز نگاه می‌دارند. و لذا قدرت‌های رسانه‌ای غربی از طریق افزایش

مالکیت رسانه‌ها و از طریق کانال‌های توزیع جدید، همچنان به گسترش خود ادامه می‌دهند و در نتیجه در حفظ اقتصاد خانه خود به طور کل، مؤثر واقع می‌شوند.

از لحاظ کاربردی، امپریالیسم اطلاعاتی امروز با استعمار سیاسی گذشته تفاوتی ندارد. هر دوی آنها آنچه را که کلارک (۱۹۹۱:۱۶) یک رابطه نامتقارن و نابرابر می‌خواند نشان می‌دهند که در آن یک گروه نیرومند و مسلط و گروه دیگر ضعیف و وابسته است. گروه اول، بخش اعظم بهره را می‌برد حال آن که گروه دوم، بیشترین هزینه‌ها را متحمل می‌شود، بدتر از آن این که این رابطه بسیار ثبات دارد زیرا طرف ضعیف به ابزارهای تحول یا دسترسی ندارد و یا دسترسی‌اش به آن بسیار اندک است. بدین ترتیب، طرف ثروتمند به نیازها و خواسته‌های محرومان واقعی نهنده و به همان‌گونه که استعمارگران عمل می‌کردند، شرایط زندگی برده‌واری بر آنها تحمیل می‌کردند. از چند دهه پیش، تلاش‌های

کشورهای درحال پیشرفت برای حفظ

حاکمیت یکپارچگی ملی، در یک دنیای

الکترونیکی به پیش رانده شده توسط

انقلاب رقومی (دیجیتالی) نابود سازنده

مرزهای ملی، بی‌تأثیر بوده است. در این

ارتباط، نلسون (۱۹۹۸:۱۳۳) این

پرسش را مطرح می‌سازد: اگر حکومت

محلی دیگر نه تنها کنترل شبکه‌های

ارتباطات راه دور و وسایل ارتباطات راه

دور ماهواره‌ای مورد استفاده شهروندان

خود را در اختیار نداشته باشد، از ایده

سنتی حاکمیت چه می‌ماند، جز این‌که

مرزهای ملی آن روزبه‌روز نامربوط تر می‌شود؟ به بیان دیگر، رشد اطلاعات دیجیتالی در واقع کار کنترل اطلاعات، تأثیرگذارند

بر ارزش‌های آن و جلوگیری از سوءاستفاده گروه‌های کارگزار در غرب را برای دولت دشوار می‌سازد.

همیلینک (Hamelink، ۱۹۹۸) بر این نکته تأکید می‌ورزد که از

زمان ظهور عصر اطلاعات، اطلاعات و فناوری آن در دست کشورهای ثروتمند قرار داشته است. انتقاد وی معمولاً با اصطلاحات مرکز و

جهانی میان کشورهای مرکز (یعنی کشورهای ثروتمند و صنعتی جهان اول) و کشورهای پیرامون (یعنی کشورهای فقیرتر و روستایی‌تر جهان

سوم) وجود خواهد داشت، چه از لحاظ جریان اطلاعات و چه از لحاظ محصولات رسانه‌ای. این جریان به صورتی کاملاً یکسویه درخواهد آمد

و کشورهای پیرامون یا اصلاً فرصت نخواهند داشت و یا فرصتشان بسیار

اندک خواهد بود که فعالانه در این فرآیند مشارکت جویند یا در وضعیت موجود تغییری صورت دهند. به بیان دیگر، دستورات رهبران کشورهای مرکز، صداهای (غالباً اعتراض‌آمیز) رهبران کشورهای پیرامون را کم خواهد کرد. اگرچه منافع آشکاری برای کسانی که تظاهر به پذیرش آن می‌کنند وجود خواهد داشت، اما خطرات ممکن است فراگیر باشد. مفاهیم عدم توازن و وابستگی غالباً در توصیف رابطه بین خبرگزاری‌های ملی و جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همانند امپریالیسم سیاسی در گذشته، امپریالیسم اطلاعاتی کنونی به سهولت می‌تواند به انقیاد کشورهای جهان سوم، که در ساختار اقتصادی منسجم و یکپارچه هستند، منجر شود (شیلر، ۱۹۶۹).

از دیدگاه سیاسی، امپریالیسم اطلاعاتی، جنگی است که به استعمار اطلاعاتی منجر می‌شود. از یک چشم‌انداز جامعه‌شناختی، امپریالیسم اطلاعاتی شبکه اجتماعی - اقتصادی پیچیده و درهم تنیده‌ای از



مشارکت‌هایی است میان زمینه‌های آموزش، سرگرمی، زبان، سیاست، تجارت و بازرگانی، اطلاعات و دیگران. در حالی که کشورهای بیشتری به جریان جهانی‌سازی می‌پیوندند، گسترش شرکت‌های غربی شدت می‌یابد. بدون شک، اطلاعات و سرگرمی از صادرات عمده ایالات متحده هستند (جیانگ، ۱۹۹۷)، اپادورایی (Appadurai، ۱۹۹۰) اتیش (Atish، ۱۹۹۲)، کلارک (۱۹۹۱)، گنگ (Gang) و سون (Sun، ۱۹۹۹) و هونگ (Hong، ۱۹۹۶) جهانی‌سازی را به خاطر آن که مزایای بیشتری در اختیار شرکت‌های چند شاخه رسانه‌ای غربی می‌گذارد، مورد انتقاد قرار داده‌اند. شرکت‌های مزبور که از قبل به واسطه موقعیت برترشان تقریباً در همه زمینه‌ها از مزایای قابل توجهی برخوردار بوده‌اند، در حال حاضر با بهره‌جویی از اطلاعات و فناوری، رفته رفته به صورت سرنوشت سازترین قلمرو در می‌آیند. روج (۱۹۹۷:۴۸) راست می‌گفت که امپریالیسم اطلاعاتی مستقیماً با گسترش کاپیتالیسم ایالات

متحده در کشورهای جهان سوم و صدور گسترده محصولات و فناوری ارتباطات آمریکا، ارتباط دارد.

در واقع، صنعت ارتباطات و رسانه‌ها به سرعت وارد این قلمرو جدید می‌شود. سازمان‌های چند جانبه خبری دیگر نه تنها محصولات خود را به خبرگزاری‌های محلی می‌فروشند بلکه آنها را به دست‌اندرکاران تجارت و بازرگانی، سرمایه‌گذاران، بانکداران، دولت‌ها و امثال آنها نیز عرضه می‌دارند. از لحاظ اقتصادی، کشورهای جهان سوم با وارد کردن کتاب، نشریه، تلویزیون و سایر برنامه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده تولید غرب به غرب کمک می‌کنند. سن (Sen، ۲۰۰۸: ۱۹۹۳) در تحقیقات خود خاطرنشان می‌سازد که در سال ۱۹۸۹، صنعت برنامه‌های سرگرم‌کننده ایالات متحده حدود ۳۰۰ میلیارد دلار آمریکا فروش داشت که ۲۰ درصد آن، از خارج حاصل شده بود. وی به نقل از برنستاین

(Bernstein، ۱۹۹۱: ۱۴۳) می‌گوید که

به طور مثال، فیلم «رمبو» تنها در داخل آمریکا مبلغ ۵۵ میلیون دلار فروش داشت.

همین فیلم در کشورهای خارج نیز معادل ۱۰۵ میلیون دلار کسب کرد. مصرف

محصولات فرهنگی غربی در جهان سوم تحت تأثیر عواملی چند، رو به افزایش

خواهد نهاد. از جمله این عوامل می‌توان

به گسترش مستمر اقتصادهای جهان سوم، که موجب افزایش درآمد می‌شود، و

تلاش‌های پایدار غرب در وارد آوردن فشار برای جهانی‌سازی و آزادسازی تجارت،

اشاره کرد. همچنین سن (۱۹۹۳) به نقل

از تیورو (Turow، ۲۰۰۹: ۱۹۹۲) گزارش می‌دهد که فروش صفحات و نوارهای موسیقی آمریکایی حدود نیمی از درآمد ضبط موسیقی در جهان را تشکیل داده است. این منافع شامل عایدات مالی ناشی از فروش کتب و نشریات غربی، که معمولاً نسبت به کتب و نشریات محلی، فروش بهتری دارند، نیست. در نتیجه، ناشران غربی هرچه بیشتر در صدد گشایش دفاتر نمایندگی فروش محصولات خود در جهان سوم برمی‌آیند. با وجود این، نگاهی به ساختار بازاریابی ایجاد شده توسط شرکت‌های غربی در جهان سوم، از ماهیت پیچیده آن پرده بر می‌دارد. ساختار مزبور به صورتی ایدئولوژیک و با حداکثر سوددهی ایجاد شده است و همین امر استقلال جهان سوم را از غرب بعید می‌نماید علت امر، این نیز هست که شرکت‌های جهان سومی ظاهراً قادر نیستند تقاضاها را از طریق تولیدات داخلی و یا حتی از طریق وارد کردن از سایر کشورهای جهان سوم برآورده سازند. صنایع اطلاعات و سرگرمی داخلی

■ جریان یکسویه اطلاعات از کشورهای پیشرفته غرب و شمال به کشورهای در حال پیشرفت شرق و جنوب از طریق کانال‌هایی چون کتاب، روزنامه، مجله، پایگاه‌های اطلاعاتی، فیلم، نرم افزار کامپیوتر، کنفرانس‌های بین‌المللی، و حتی جهانگردی عملی می‌شود.

می رفت، بعد از تماس با اروپایی ها بر اثر استعمار سیاسی و نابودی فرهنگی، از بین رفته اند. زبان شناس ها می گویند هزاران زبان وجود دارد که دیگر توسط کودکان به کار برده نمی شوند و در نتیجه به مخاطره افتاده اند و احتمالاً تا سال ۲۱۰۰ دیگر اثری از آنها باقی نخواهد بود. امروزه، بیش از نیمی از کل جمعیت جهان به ۱۰ زبان عمده تکلم می کنند. زبان های مزبور در جدول زیر نشان داده شده اند.

۱۰ زبان عمده

جنبه های بسیار امپریالیسم اطلاعاتی را باید از لحاظ گسترده تر از کمیت و کیفیت صرف مورد مطالعه قرار داد. عوامل برجسته مرتبط با امپریالیسم اطلاعاتی و اثرات آن عبارتند از:

۱. نقش سلطه گرانه طولانی ایفا شده توسط مغول های رسانه ای و صنایع اطلاع رسانی غربی؛
۲. تمرکز مستمر مالکیت و تحقیقات فناوری اطلاعات در غرب که به سرمایه گذاری در زمینه محصولات منجر شده است که صرفاً مختص مصرف کنندگان غربی نیست بلکه مصرف کنندگان بسیاری را در کشورهای

در حال پیشرفت نیز شامل شود؛

۳. میراث استعمار (زبان و فرهنگ) که افریقایی ها، آسیایی ها و امریکاییان لاتین را در معرض محصولات اطلاعاتی و فرهنگی غرب قرار می دهد؛

۴. کشورهای جهان سوم، که اکنون به جهانی سازی و آزادی سازی اقتصادی متعهد شده اند، و نه تنها از لحاظ مواد اولیه مورد استثمار قرار گرفته اند بلکه قربانی بازاریابی تهاجمی نیز واقع شده اند؛ و

۵. پیشروی یکسویه ارزش های تولیدکنندگان و توزیع کنندگان برتر اطلاعات نه ارزش های دریافت کنندگان آنها.

اثرات مثبت و منفی

بحث ها و مناظرات راجع به عدم توازن در جریان اطلاعات در سال های ۱۹۶۰ و در میان رهبران ملی، دانشگاهیان، فعالان فرهنگی و رهبران مذهبی جهان سوم آغاز شد و آن هنگامی بود که آنان با شناخت اهمیتی که توزیع و انتشار اطلاعات برای مدرنیزاسیون و صنعتی کردن جهان سوم به طور کل دارد (ماسودا ۱۹۸۱، دوردیک و وانگ، ۱۹۹۳)،

قادر به رقابت با همتاهای خارجی خود نیستند. به طور مثال، گفته می شود صنعت سینما در اندونزی آرام آرام در حال جان دادن است. تولید آن از حدود یکصد فیلم در سال قبل از ۱۹۹۱ به ۶۰ فیلم در ۱۹۹۲ کاهش یافته است (سن ۲۱۲: ۱۹۹۳ به نقل از منون ۱۹۹۳: ۲۹).

در گذشته، نفوذ فرهنگ های خارجی به علت بعد مسافت و موانع مختلف جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به کندی صورت می گرفت. آهنگ این نفوذ در واقع از دهه ۱۹۹۰ سرعت گرفت. اوهامه (Ohamه، ۱۹۹۵) با اشاره به پیش بینی مارشال مک لوهان که سیاره زمین به صورت یک دهکده جهانی یعنی به صورت یک جهان بدون مرز درخواهد آمد، اظهار می دارد که اثرات فرهنگی با سهولت و سرعت در سطح جهان اشاعه خواهد یافت و حالت متمرکز پذیرش فرهنگ خارجی را که حاصل تحمیل اصولی نفوذ بیگانه بر فرهنگ های بومی آسیب پذیر است، به وجود خواهد آورد. (آپادورائی، ۱۹۹۰؛ کلارک ۱۹۹۱؛ جوشی Joshi، ۱۹۹۶؛ جیانگ، ۱۹۹۷؛ و نلسون، ۱۹۹۸). نیز همین نکته را تحلیل و مورد بررسی قرار داده اند. آنچه رخ می دهد به روشنی و به اختصار در «نداهاى جهان، انجمن ملی جغرافیا» (اوت ۱۹۹۹) دست کم به یک زیانشناس، بیان شده است:

بسیاری از ناظران معتقدند که جهان یک انهدام جمعی فرهنگ ها را تجربه می کند، بحرانی بزرگ، به عظمت از بین رفتن انواع زیست شناختی. نمودار (بارومتر) های بسیاری از تنوع فرهنگی، از جمله مذهب... وجود دارد. بهترین شاخص سلامت فرهنگ جهان شاید وضعیت زبان های آن باشد. داگلاس والن از «صندوق زبان های در مخاطره» دریل، می گوید: بیش از نیمی از ۶۰۰۰ یا در همین حدود، زبان رایج کنونی، احتمالاً در قرن آینده کاربری نخواهند داشت... بسیاری از مردم، علت نابودی زبان ها را به گردن جهانی شدن یعنی یکنواختی فزاینده فرهنگ ها می اندازند که به واسطه ارتباطات راه دور و اقتصاد جهانی، تشدید می شود.

اگرچه دانستن این که به چند زبان در گذشته اخیر تکلم می شده دشوار است ولی برآوردهای محتاطانه مبتنی بر نرخ های شناخته شده توسعه زبان، حکایت از آن دارد که زمانی بیش از ده هزار زبان وجود داشته است. اکثر زبان هایی که توسط سرخپوستان امریکا، اسکیموها، افریقایی ها، هندو اروپایی ها، چین و تبتی ها، استرانزیایی ها، پلی نزیایی ها و میکرونزیایی ها به کار

■ امپریالیسم اطلاعاتی غرب شامل انتقال ارزش ها از چند کشور قدرتمند در اروپا و ایالات متحده به حدود ۱۶۰ کشور ضعیف و محروم در افریقا، آسیا و امریکای لاتین است.

نگاهی نیز به خطر امپریالیسم اطلاعاتی انداختند. مصرف انبوه اطلاعات غربی به همخوانی و هماهنگی فرهنگی منجر می‌شود. این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که افزایش چشمگیر پخش و انتشار اطلاعات غربی از طریق رسانه‌های چاپی، دیداری و شنیداری و دیجیتال برای مصرف مستقیم، طی دهه‌های گذشته بسیاری از کشورهای جهان سوم را فرا گرفته است. زمانی ترجمه کتاب‌های غربی و عرضه فیلم‌های سینمایی غربی طایفه‌دار بود و اکنون فناوری اطلاعات، امکانات آن را برای کشورهای پیشرفته، به ویژه ایالات متحده، پدید آورده است که بدون هیچ مانعی، اطلاعات الکترونیکی را همه جا پخش کنند. در نتیجه، جوانان و نوجوانانی که با نمایش‌ها، کتاب‌ها و تشریفات غربی بزرگ می‌شوند نه تنها محصولات غربی‌ای را که از بسیاری جهات برتر تشخیص می‌دهند، ترجیح خواهند داد بلکه شیوه زندگی غربی را نیز مطلوب‌تر خواهند دانست (گارتیگسو، ۱۹۹۹؛ Garthigesu، ۱۹۹۱؛ سو، ۱۹۹۹؛ ولز، Wells، لی، Lee، ۱۹۵۵). از نظر آنان، فرهنگ غربی جذاب و با نشاط است و آزادسازی، آزادی و نوگرایی (مدرنیته) رواج می‌دهد و پیروی از آن، به ایشان منزلت اجتماعی می‌بخشد. این مغالزه با فرهنگ غربی نه تازگی دارد و نه غیرقابل درک است. توصیفات یک جامعه مدرن که در آن فراوانی وجود دارد، معاشرت جنسی آزاد است، اتومبیل‌ها فوق‌العاده است، لباس‌ها مد روز است، فناوری پیشرفته است، و در آن فرد آزاد است، در آن موفقیت و شادمانی معیارهای ساده مادی وجود دارد و در آن پیروزی ظاهراً یعنی همه چیز، برانگیزاننده و اغواگرانه است. در نتیجه، فرهنگ‌های سنتی که بر تقوای فرزندان، همبستگی اجتماعی، و فرمانبرداری از بزرگ‌ترها تأکید می‌ورزند، کنار گذارده می‌شوند. به‌طور کلی، در سال‌های ۱۹۵۰ بود که آرزوی برخورداری از نوگرایی غربی در دل جوانان شهرهای کوچک و بزرگ افتاد و رفته رفته جوانان روستایی را نیز در بر گرفت.

در حالی که افراد بیشتری روی ایده‌ها، تصاویر و صداهای غربی آغوش می‌گشایند، شنیدن آهنگ‌های خوانندگانی چون بیلی جول، تینانتر، پل سایمون، استیوی واندر، مایکل جکسون، و سیلین دایون از رادیو، تلویزیون و ویدئو همه جا و همه وقت در کشورهای جهان سوم، و یافتن خوانندگان محلی تقلیدکننده خوانندگان آمریکایی و اروپایی در جشن‌ها و مراسم، دیسکوتک و کلپ‌های شبانه، که جملگی به خودی

خود پدیده‌های وارد شده از غرب هستند، به صورت امری معمول و متداول در آمده است (سن، Sen، ۱۹۸۰؛ سنگوپتا و فیرث، Firth، ۱۹۹۷؛ وانگ، ۱۹۹۹؛ ولز و لی، ۱۹۹۵).

گسترش فرهنگ غربی، به ویژه آمریکایی، به واسطه سیاست‌های لیبرالیستی حکومت‌های جهان سوم، به جز در چند کشور از قبیل برمه و کره شمالی تهییج شده است. سازمان‌های اطلاع‌رسانی محلی ترجیح داده‌اند واردات دارای کیفیت فنی برتر را که به راحتی در دسترس بوده‌اند، مورد استفاده قرار دهند و بدون آن که به فکر حفظ ارزش‌های سنتی باشند، صنایع محلی را کنار گذارده‌اند. بدین ترتیب، لی چون واه

Lee Chun Wah (۱۹۹۷:۴۰) گزارش می‌دهد که در سنگاپور، رسانه‌ها آکنده از تبلیغات و پیام‌های بازرگانی تهیه شده به زبان انگلیسی است که در آنها الگوهای غربی در زمینه‌های غربی ارائه شده و ارزش‌های غربی ترویج می‌شود. به همین ترتیب، در مالزی نیز مخاطبان رسانه‌ها نه تنها همواره برنامه‌های غربی را مصرف می‌کنند بلکه تقریباً همزمان با خود آمریکایی‌ها، خویششان را با مجموعه‌ای از چیزهای مورد علاقه آمریکایی‌ها آشنا می‌سازند (گارتیگسو، ۱۰۴: ۱۹۹۱). در حالی که اطلاعات از غرب آزادانه به نقاط دیگر جهان جریان می‌یابد، مرزبندی‌های

سیاسی و فکری‌ای که در گذشته میان کشورها وجود داشت، رفته رفته از بین می‌رود (جیانگ، ۱۹۹۷؛ گارتیگسو، ۱۹۹۱؛ کارتیگسو و راماناتان Ramanathan، ۱۹۹۷؛ لو و ییپ Loo and Yeap، ۱۹۹۸؛ روچ، ۱۹۹۷؛ سن، ۱۹۹۳؛ سو، ۱۹۹۹؛ وانگ، ۱۹۹۹؛ ولز و لی، ۱۹۹۵).

امپریالیسم اطلاعاتی در کشورهای جهان سوم هم محبوب و هم منفور است. از زمان کسب استقلال، بخش اعظم نیازهای نهاد‌های آموزشی عالی در کشورهای جهان سوم به کمک محصولات اطلاعاتی وارد شده از غرب، برآورده شده است. علاوه بر آن، جریان اطلاعات بر آموزش فناوری، پزشکی، بازرگانی، حقوق و موضوعات اجتماعی - علمی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی محلی تأثیر گذارده و آنها را به یکدیگر و نیز به سایر کشورهای جهان مرتبط ساخته است. فهرست‌های متون پیشنهاد شده برای مطالعه در علوم انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد که تا ۷۰ درصد کتاب‌های نظری یا تئوریک اصلی در غرب به چاپ می‌رسند. در زمینه‌های حقوق، علوم کامپیوتر، مهندسی و پزشکی، این رقم به ۹۵ درصد می‌رسد. کتاب‌ها و نشریات وارد شده از غرب مقرون

■ غرب از دیرباز از مالکیت روزنامه‌ها و زنجیره‌های چاپ و نشر کتاب و نشریه برای کنترل پخش تلویزیونی و ماهواره‌ای، تولید CD-ROM و پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده کرده است.

به صرفه‌ترین راه برای نهادهای آموزش عالی جهان سوم برای برگزار کردن دوره‌های آموزشی مطلوب و کسب تازه‌ترین اطلاعات است. به‌طور واقع، این شیوه در توسعه دانشگاه‌ها و مدارس عالی، بسیار مؤثر بوده است. به همین ترتیب، فیلم‌های ویدئویی و سینمایی وارداتی از غرب نیز مناسب‌ترین راه برای پر کردن پرده‌های سینما و صفحات گیرنده‌های تلویزیونی کشورهای جهان سوم بوده است. به‌طور کلی، وارد کردن اطلاعات از غرب برای آن دسته از کشورهای در حال پیشرفت که فاقد نیروی انسانی فناوری و تأسیسات کافی هستند، نیز مفید واقع شده است. این یک واقعیت است که کسانی که بیشترین استفاده را از این امر برده‌اند، از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اهالی ممتاز مناطق شهری این کشورها هستند. اوون (Owen, ۱۹۹۷) راست می‌گوید که کشورها و ملت‌ها را می‌توان از لحاظ اطلاعات به دو دسته فقیر و غنی تقسیم کرد.

همان‌گونه که اشاره شد، وابستگی بیش از حد به اطلاعات وارد شده از غرب، فرهنگ‌ها را تضعیف کرده و آنها را آسیب‌پذیرتر کرده است. (جیانگه، ۱۹۹۷:۱۷). همانند استعمار سیاسی در گذشته، جریان انبوه اطلاعات از غرب، فرهنگ‌های محلی را به جای آن که کامل کند، جایگزین می‌نماید. به‌رغم تلاش وسیع مقام‌های مسئول محلی برای تشویق مردم به مصرف کالاها و محصولات داخلی، این استیلا علت تجلیات غالب عقده‌های حقارت فرهنگی در جهان سوم که غربی‌ها برتر هستند و هر چیز وارداتی از غرب بهتر است، به حساب آمده است. منون (Menon ۱۹۸۵:۶۵) این برتری و رجحان را «میراث استعمار» خواند. طی سال‌های متمادی، تلاش‌های زیرکانه‌ای به منظور از بین بردن این استیلا به عمل آمده است. ارزش‌های کنفوسیوس در سنگاپور بسط داده شد، «رکونگارا» در مالزی و «پانکا سیلا» در اندونزی، که جملگی از این ترس ناشی می‌شد که ایده‌های غربی راجع به حقوق بشر، لیبرالیسم، سکولاریسم، دموکراتیزاسیون، فردگرایی و ماده‌گرایی ممکن است جایگزین سنت‌ها و آداب و رسوم محلی بشود. با وجود این، مردمان بیشتر و بیشتری در این کشورها و سایر کشورهای جهان سوم خویشتن را علاقه‌مند و شیفته فرهنگ و اطلاعات آمریکایی می‌یابند. تا حدودی به این دلیل، فیلم‌ها، کتاب‌ها و نشریات غربی نیز از سوی گروه‌های مذهبی و فعالان فرهنگی کشورهای در حال پیشرفت به اشاعه

رفتارهای غیرآسیایی، یا غیرآفریقایی یا غیرآمریکایی لاتین و پیشبرد مصرف‌گرایی و ماده‌گرایی متهم شده‌اند. این امر تا حدودی مشخص می‌کند که چرا روزنامه‌ها، کتاب‌ها، مجلات، تلویزیون، موسیقی و فیلم‌های سینمایی کراراً مورد حمله سیاستمداران و رهبران اجتماعی قرار می‌گیرند.

با همه اینها، دلایل بسیاری هست که نشان می‌دهد چرا بعید است که مبارزات علیه «آلودگی روحی» از امپریالیسم اطلاعاتی جلوگیری نمی‌کند.

۱. اطلاعات رسیده از غرب، آنچنان با نظام‌های آموزشی و اجتماعی. اقتصادی کشورهای جهان سوم آمیخته است که نابودسازی آن به طور قطع سبب اختلالاتی جدی خواهد شد؛ اختلال‌هایی که این کشورها قدرت برخورد با آن را ندارند.

۲. دانشجویان کشورهای جهان سوم به‌رغم مشکلات زبانی بسیار، با هیجان به کتاب‌ها و نشریات غربی مراجعه می‌کنند که علت آن ظاهراً کیفیت و ارزش اطلاعاتی بالاتر آنهاست.

۳. نظام‌های پژوهشی و آموزشی در بسیاری از کشورهای جهان سوم همچنان مطابق الگوهای غربی سازمان‌دهی می‌شود و بخش اعظم تحقیقات و آموزش و پرورش این کشورها را شکل می‌بخشد.

۴. با وجود پیشرفت در سال‌های اخیر، اکثر نشریات منتشر شده در کشورهای در حال پیشرفت، از فقدان حرفه‌گرایی و تخصص‌گرایی رنج می‌برد. تأخیرها، انتشار نامنظم، و نارسایی‌های فنی در صحافی و غیره، شایع است.

۵. بسیاری از نشریات بومی در سایه تحقیقات غربی توسعه می‌یابند از این لحاظ که متشکل هستند از ترجمه، اقتباس یا تکثیر صرف ایده‌های غربی، بدان‌سان که توسط احمد (۱۹۷۹:۸۲) نمایانده شدند.

۶. سازمان‌های خبری چند ملیتی مثل CNN، رویترز، AP، AFP، جیمینی (Gemini) و نیویورک‌تایمز بسیار حرفه‌ای هستند و هم از لحاظ حجم و هم از لحاظ ارائه محتوی بر هم‌تا‌های خود در کشورهای در حال پیشرفت برتری دارند. (سوبان ۱۹۸۱، Soban).

۷. بسیاری از علما و محققان جهان سوم هنوز هم ترجیح می‌دهند آثارشان در غرب منتشر شود و دلیل آن نه تنها مسأله حیثیت و اعتبار (پرستیژ) و نشانه شناخت عملی آنها بلکه این است که ارجاع به نشریات آمریکایی و انگلیسی در حال حاضر معیار تحقیق مناسب به

■ امپریالیسم اطلاعاتی غرب شامل انتقال ارزش‌ها از چند کشور قدرتمند در اروپا و ایالات متحده به حدود ۱۶۰ کشور ضعیف و محروم در افریقا، آسیا و امریکای لاتین است.

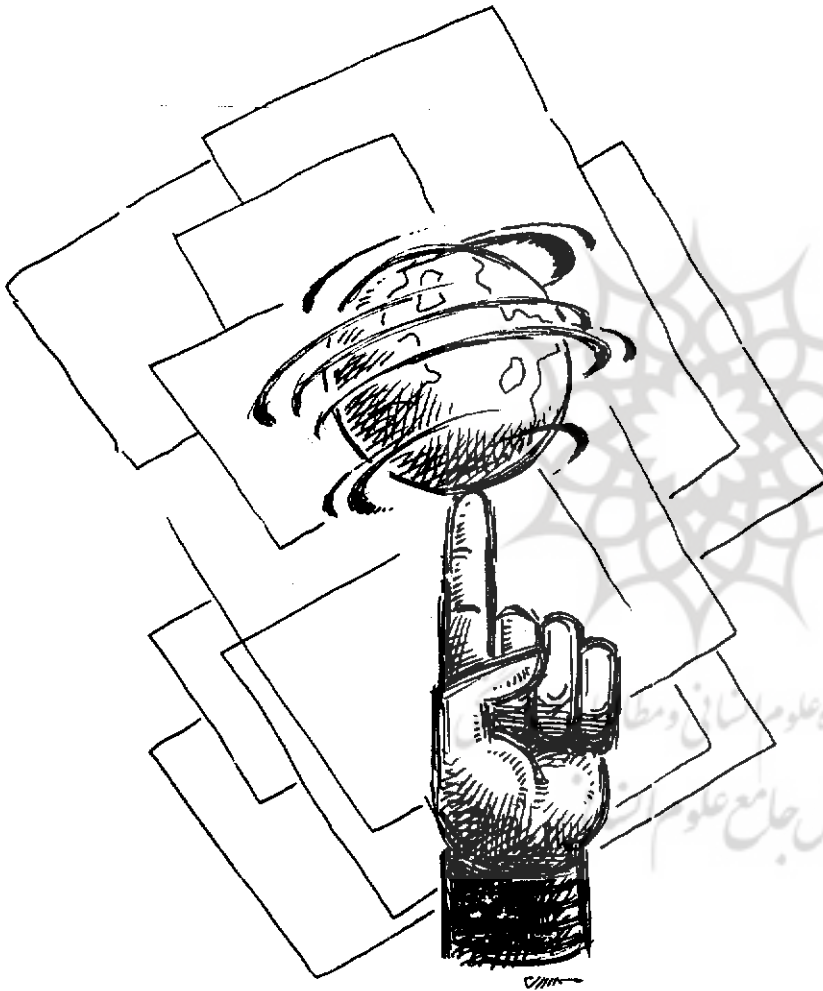
حساب می‌آید.

۸. بسیاری از روستاییان، از جمله جوانان، در جهان سوم ریشه‌های خویش را پس از قدم گذاشتن به شهرها از یاد می‌برند و شیوه زندگی غربی را در پیش می‌گیرند و نه از فرهنگ سنتی خود سخن می‌رانند و نه آن را آشکار می‌کنند.

به زودی ما قادر نخواهیم بود مردمانی را در جهان سوم ببینیم که لباس‌های رنگارنگ مزین به خوشه‌های منجوق به تن و روسری‌های جالب به سر داشته باشند مگر آن که این کار را به خاطر توریست‌ها انجام داده باشند. از طریق این شیوه‌ها و شیوه‌های دیگر، نفوذ غرب همچنان ادامه می‌یابد چرا که کالج‌ها و دانشگاه‌های بیشتری برای تربیت افرادی دایر می‌شود که در نهایت اصولی‌ترین نفوذ آمریکا بر سرنوشت و آینده کشورهای جهان سوم را برپا نگاه خواهند داشت. اگرچه ورود کتاب‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده غربی در دهه‌های ۱۹۵۰ یا ۱۹۶۰ ممکن است یک اقدام یا تدبیر موقت به حساب آید ولی این فرآیند تداوم یافته و استعمار اطلاعاتی را که در دهه ۱۹۹۰ کاملاً نمایان شد، سهولت بخشیده است. علاقه به کسب اطلاعات و آموزش غربی همچنان بالاست. روزنامه نیوالستریتس تایمز (کوالامپور) نه برای نخستین و نه برای آخرین بار، در روز ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ خود را با این واژه‌ها تبلیغ کرد: «اخبار جهان از مراکز خبری جهان. دسترسی شما به اطلاعات کیفی و فرصت‌های جهانی». همراه با این تبلیغ، فهرستی از روزنامه‌ها، به ویژه روزنامه‌های غربی، ارائه شد. احمد می‌گوید قدرت و ضعف کشورهای جهان سوم به پیوندهای مستمر یا به‌طور کلی تشکیلات اروپایی و آمریکای شمالی بستگی دارد (۱۹۷۹:۷۹). حقوق مخصوص یا امتیازات غذاهای آماده برای نسل ایکس (کسانی که بعد از دهه ۱۹۶۰ به دنیا آمده‌اند) به صورت یک شیوه زندگی درآمده است. علاقه و اشتیاق به فیلم‌های هالیوودی، کوکاکولا، مرغ کنتاکی، آهنگ‌ها، کتاب‌ها و مجلات غربی روزبه‌روز شدیدتر می‌شود و نفوذ آنها در داخل فضاهای فرهنگی مالزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین یا اندونزی مثل هر جای دیگر، کاملاً مشهود است.

به عنوان پاسخی به انتقاد شدید رهبران صریح و بی‌پرده جهان سوم از نظم نوین جهانی اطلاعات، بسیاری از روزنامه‌ها، مجلات، رادیوها و تلویزیون‌ها به استقرار گزارشگران بیشتر و گشایش دفاتر نمایندگی بیشتر در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین همت گمارده‌اند. به رغم این وابستگی‌ها و ارتباط‌ها باز هم ممکن است این سؤال‌ها مطرح شود که: آیا ایجاد گزارشگری محلی فرق قابل توجهی در امور پدید می‌آورد؟ محلی شدن گزارشگری خبری چه تأثیری بر

تجربه امپریالیسم اطلاعاتی و سیاسی در کشورهای جهان سوم داشته است؟ اتیش (۱۹۹۲)، بوخاری (Bukhory، ۱۹۸۹) هاگیوارا (Hagiwara، ۱۹۹۹) هونگ (۱۹۹۹)، ایکوتا (Ikuta، ۱۹۸۵)، محمد صفر (۱۹۹۰) موس چائیری سامانی (۱۹۹۲) تفاوت‌های بین اطلاعات واصله از کشورهای درحال پیشرفت توسط گزارشگرانی از غرب و اطلاعات ارائه شده توسط گزارشگران محلی‌ای که برای سازمان‌های



خبری خودشان کار می‌کنند را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که گزارشگرانی، اعم از محلی یا خارجی، که برای سازمان‌های خبری غربی کار می‌کنند، سعی می‌کنند ارزیابی‌ها و قضاوت‌های کارفرمایان خویش را مدنظر قرار دهند. گزارشگران محلی فعال برای سازمان‌های خبری محلی نیز ظاهراً به همین ترتیب عمل می‌کنند.

لنگان لنگان، از وابستگی به استقلال

طی دهه‌های متمادی، بسیاری از رهبران کشورهای در حال پیشرفت ضمن آگاهی کامل از نیاز خود به فناوری اطلاعات در تلاش برای مدرنیزه کردن کشور، از محدود ساختن امپریالیسم اطلاعاتی سخن رانده‌اند. در این زمینه سعی شده است به پرسش‌های مطرح شده زیر پاسخ‌های صادقانه و صریحی داده شود.

آیا فناوری اطلاعات را می‌توان در خارج از چارچوب امپریالیسم اطلاعاتی به دست آورد؟ آیا فناوری اطلاعات به کشورهای محروم قدرت خواهد بخشید یا آنها را مورد استعمار قرار خواهد داد؟ آیا جهان سوم قادر هست که اطلاعات جایگزین را به‌طور کارآمد، حرفه‌ای و در حد وسیع به دست دهد؟ این نکته تا چه حد صحت دارد که در عصر اطلاعات هر کس که زودتر به ارائه اطلاعات کارآمد و مناسب همت

گمارد، موفق خواهد بود؟ آیا رهبران صرفاً برای کسب اطلاعاتی مبارزه می‌کنند که می‌تواند آنان را از قدرت و نفوذ شخصی، نه ملی، برخوردار سازد؟ آیا آنان می‌توانند چشم‌انداز رسانه‌ای خویش را بدون آن که نسبت به غرب جنبه‌ای خصمانه داشته باشد، توسعه بخشند؟

صرف نظر از هر پاسخی که به این پرسش‌ها داده شود، حصول نتایج فناوری اطلاعات در سطحی از لحاظ کیفی و کمی هم‌تراز نتایج به دست آمده در غرب، کارآسانی نخواهد بود. تلاش برای استیلا بر ابر بزرگراه اطلاعات یک راه حل

ناممکن است. اگر چه فناوری اطلاعات نیروی محرکه‌ای برای تحولات اجتماعی و مدرنیزاسیون اقتصادی به حساب می‌آید، ولی توسعه اطلاعات و صنایع مرتبط با فناوری اطلاعات در چارچوب یک زیرساخت اجتماعی پیشرفته انجام می‌پذیرد. بدون برخورداری از سیستم‌های ارتباطی جهانی تمام عیار، داشتن پخش ماهواره‌ای ممکن نیست. درست به همان گونه که داشتن روزنامه، بدون وجود ماشین آلات چاپ ناممکن است. در وهله نخست، جهان سوم با وجود آن که نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است، در راه توسعه و حفظ یک ساختار اطلاعاتی، با مسائل و مشکلات بی‌شمار مواجه است. با وجود پیشرفت‌هایی در برخی زمینه‌ها، بازار و جریان اطلاعات در اکثر کشورهای جهان سوم در حال حاضر با تصویری که توسط ساویو (Savio, ۱۹۸۰) در حدود دو دهه پیش از آن نامانده شده است، تفاوت چندانی ندارد. با توجه به این واقعیت که کشورهای جهان سوم ۷۰ درصد

در میان رهبران جهان سوم این دیدگاه دیرپا وجود دارد که پوشش خبری غربی از کشورهايشان بر بحران‌ها، کشمکش‌ها، فساد، پارتی‌بازی، و امثال آنها تأکید دارد طوری که گویی این مسائل منفی، مختص جهان سوم است. بدین ترتیب، خشم فزاینده‌ای میان این رهبران وجود دارد. از سوی دیگر، بسیاری از روزنامه‌های محلی در تلاشی به منظور کاهش وابستگی خود به سازمان‌های جهانی، گزارشگران و نویسندگان مخصوص خود را به خارج اعزام می‌کنند تا راجع به مسائل بین‌المللی، خبر و گزارش تهیه کنند. شرکت‌های رسانه‌ای نسبتاً کوچک در کشورهای جهان سوم رقابت با شرکت‌های جا افتاده بین‌المللی را دشوار می‌یابند.

محمد صفرهاشم (۱۹۹۰) این وابستگی را مورد تحقیق قرار داده است. او می‌گوید از اقلام خبری مندرج در شماره مورخ ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸ روزنامه‌های ایندونیزی اینزور (اندونزی)،

نیواستریتس تایمز (مالزی)، بانکوک پست (تایلند)، استیریتس تایمز (سنگاپور)، مانیلا تایمز (فیلیپین)، ۸۹/۹ درصدشان خبر خارجی بود. این امر نشان می‌دهد که کشورهای در حال پیشرفت در خلاص کردن خود از امپریالیسم اطلاعاتی مشکل دارند. شرکت‌های غربی در مقایسه با رقیبان جهان سومی خود، از برتری فناوری و اقتصادی و تولید در سطح بالاتر برخوردارند. در گفت‌وگوی بین‌المللی افریقای جنوبی (SAID) که روزهای ۲۰-۲۱ اوت ۲۰۰۰ در مپوتو، موزامبیک،

برگزار شد، طرح امیدوارکننده‌ای پیشنهاد شد مبنی بر این که مطابق الگوی شبکه خبری آسیا (ANN) که چندین سال پیش با همکاری هند، اندونزی، فیلیپین، مالزی، تایلند، کره جنوبی، چین، کامبوج و ویتنام تشکیل شد، شبکه‌ای خبری به منظور تسهیل مبادله دوجانبه اخبار تشکیل دهند. ولی خیلی‌ها در این که چنین اقدامی بتواند وابستگی کشورهای جهان سوم به رسانه‌های خبری غربی را کاهش دهد، مخصوصاً هنگامی که برخی از رهبران بی‌تفاوت باشند، تردید دارند. از قرار معلوم، وابستگی به رسانه‌های غربی در برخی مناطق مسأله عمده‌ای تلقی نمی‌شود و عده‌ای همچون «سن» (۱۹۹۳) که دامنه و تأثیر محصولات فرهنگی و رسانه‌ای آمریکایی بر مصرف‌کنندگان آنها در کشورهای جهان سوم را مورد تحلیل قرار داده‌اند، استدلال کرده‌اند که بخشی از تقصیرها باید به گردن رهبران این کشورها گذارده شود که همچنان به نقش انفعالی خود در بازار اطلاعات ادامه می‌دهند.

■ هنگامی که رفاه اقتصادی، توسعه، نوگرایی و در واقع آینده بشر هر چه بیشتر با مسائلی چون امنیت، راهبردهای نظامی، عملیات روان‌شناختی و جنگ الکترونیکی گره می‌خورد، وابستگی جهان سوم نه تنها کاهش نمی‌یابد که عمیق‌تر نیز می‌شود.

جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، فقط ۷ درصد مصرف جهانی کاغذ به آنها اختصاص دارد. آنها فقط ۵ درصد گیرنده‌های تلویزیونی جهان، فقط ۲۰ درصد سینماهای جهان، ۱۲ درصد روزنامه‌های جهان و فقط ۱۰ درصد فرکانس‌های رادیویی جهان را در اختیار دارند. از سوی دیگر، سازمان‌های خبری عمده جهانی همچنان بیش از ۸۵ درصد جریان جهانی خبر را در اختیار دارند (ساویو، ۱۴۶: ۱۹۸۰). توسعه صنعت اطلاعات داخلی که کاربری کامل از صنایع زیرساختی اطلاعات محلی به عمل آورد، برای کشورهای جهان سوم دشوار است. این کشورها باید زمینه‌های همکاری بین‌المللی تازه‌ای برای تأثیرگذاران بر جریان اطلاعات پیدا کنند.

زمینه محتمل دیگر برای بهره‌جویی اینترنت است. شمار فزاینده‌ای از شرکت‌های روزنامه‌ای در کشورهای حال توسعه، بدون آن که زیرساخت‌های ابتدایی ارتباطات راه دور، مانعی فراراهشان به حساب آید، همراه با همناهای غربی خود، نشریاتشان را به صورت الکترونیکی (On-line) عرضه می‌دارند. این امر باعث شده است تنوع زبانی در اینترنت افزایش یابد. اکنون، کاربران تاگالوگ، تایلندی، سواحیلی، مالایی، هندی، عرب و بسیاری از دیگر قومیت‌های غیرانگلیسی در سراسر جهان می‌توانند به اطلاعات و اخبار تهیه شده محلی در اینترنت دسترسی داشته باشند. از لحاظ تئوری، آنان می‌توانند بدون عبور از کلان‌شهرهای کشورهای صنعتی، اطلاعات دست اول را از کشورهای خودشان دریافت دارند. دسترسی به اینترنت، آنان را از شرح تفسیرهای انتقادی غربی نیز رهایی می‌بخشد. با وجود این، اینترنت به عنوان یک واسطه جایگزین نمی‌تواند با جریان یکسویه و قدرتمند اطلاعات به چالش بپردازد. علت این امر فقط این نیست که نوآوری‌های سریع اخیر، دامنه و شدت جریان فراملی اطلاعات را به نفع آنهایی که پیشرفته‌تر هستند، افزایش بسیار داده است. جهان سوم به گونه‌ای غیرقابل اجتناب با مجموعه وسیعی از مسائل مرتبط به هم، از جمله تأمین مالی فناوری مناسب مورد نیاز برای شبکه‌های اطلاعات و اخبار پیشنهاد شده در گفت‌وگوی ۲۰۰۰ بین‌المللی افریقای جنوبی (SAID) در ماهوتو، حفظ یک جریان اطلاعات جایگزین، و بالا بردن کیفیت اطلاعات، دست به گریبان بوده است. (علی، ۶۷: ۱۹۸۵).

آموزش پرسنل بسیار ورزیده و انتشارات و گزارش‌های تحقیقاتی در

همه زمینه‌ها باید در اولویت قرار گیرد. اما، هزاران محقق، سردبیر، نویسنده، مدرس، گزارشگر، منتقد، حقوقدان، پژوهشگر و روزنامه‌نگار در کشورهای در حال پیشرفت، یا افرادی متزوی هستند که بر یک مبنای موقتی و بدون برنامه قبلی مطلب می‌نویسند، یا به استخدام دولت در آمده‌اند، یا در دانشگاه‌ها و مدارس عالی بار سنگین تدریس را به عهده دارند. عدم هماهنگی میان آنان نه تنها بر کمیت اطلاعات تولید شده بلکه بر کیفیت آن نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، کشورهای در حال پیشرفت نمی‌توانند به این هدف که پخش کننده و انتشاردهنده اطلاعات خودشان باشند، نایل گردند. وضعیتی که پیش می‌آید این است که اطلاعات به عنوان مواد اولیه از کشورهای در حال پیشرفت، ابتدا به نیویورک، لندن، تورنتو، پاریس یا دیگر مراکز بزرگ اطلاعات و رسانه

غرب می‌رود تا مورد پردازش قرار گرفته و در بسته‌بندی مجدد، صادر شود. در این فرآیند، دو چیز اتفاق می‌افتد. اولاً، همه اخبار و اطلاعات مساعد از نظر رهبران کشورهای در حال پیشرفت گزینش نمی‌شود؛ ثانیاً اطلاعات بسته‌بندی شده مجدد، به‌طور قطع به واسطه فیلترینگ، تنظیم مجدد و تفسیر مجدد، با نسخه اصلی آن فرق دارد. نه تنها عدم توازن در جریان اطلاعات مورد تأکید قرار می‌گیرد بلکه گزارش تحریف شده راجع به کشورهای جهان سوم همچنان ادامه می‌یابد. در اینجاست که تصورات نیم قرن پیش جرج آرول در رمان «۱۹۸۴» وی،

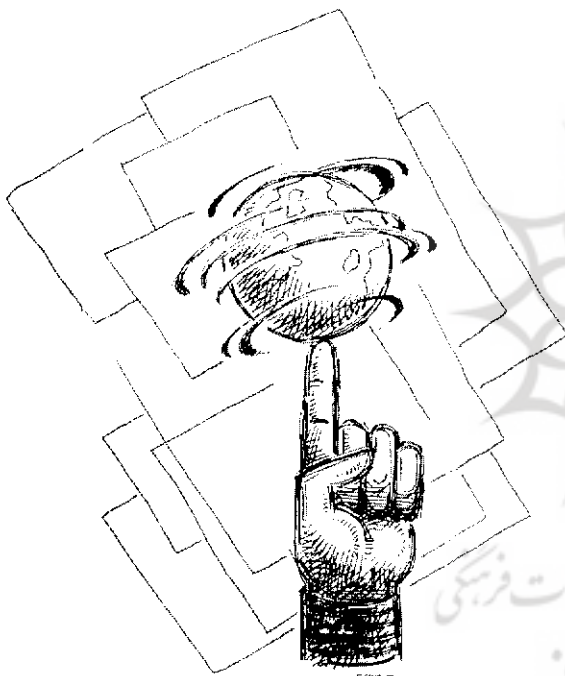
واقیقت پیدا می‌کند. و نیز در اینجاست که صاحبان صنایع غربی اطلاعات به خاطر ارائه تصاویر افراط گرایانه از توسعه نیافتگی، عقب‌ماندگی، فساد، پارتی‌بازی، بنیادگرایی افراطی و امثال آنها، از سوی رهبران کشورهای جهان سوم مورد انتقاد شدید قرار می‌گیرند. گفته می‌شود اطلاعات صرفاً بازتاب دهنده رویدادهای این کشورها نیست، بلکه برعکس تبعیض و سمت‌گیری صاحبان صنایع اطلاعات را نشان می‌دهد (کوسیگان Kausiksan، ۱۹۸۴؛ محبوبانی، ۱۹۹۳).

اطلاعات و فناوری اطلاعات می‌تواند یا ابزار قدرت یا ابزار استعمار شود. سؤال این است که آیا فناوری اطلاعات وارداتی می‌تواند به فرآیند مدرنیزاسیون کمک کند؟ یک کشور به کدام فناوری‌ها نیاز دارد و بهترین شیوه حصول این فناوری‌ها کدام است؟ شناخت آن اطلاعات و فناوری از عوامل عمده توسعه هستند و بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت از دهه ۱۹۸۰ توجه خود را به صنعت اطلاعات معطوف ساخته‌اند (ماسودا،

■ ارتباط امپریالیسم
اطلاعاتی با جهانی‌سازی را
می‌توان از لحاظ تاریخی با
خیزش کاپیتالیسم در قرن
نوزدهم مرتبط دانست و بعد
از آن بود که این امپریالیسم
به واسطه فناوری اطلاعات در
قرن بیستم، تقویت شد.

جهان سوم نه تنها پست‌تر است بلکه به صورتی نابرابر نیز اشاعه یافته است، افزایش می‌یابد.

با وجود این، کشورهای در حال پیشرفت باید پیشرفت کنند. معمول‌ترین رویکرد این است که کشورهای مزبور ابتدا به انتقال فناوری سطح پایین از کشورهای پیشرفته مبادرت ورزند یا این امید که این امر راه را برای واردات فناوری‌های برتر، هموار خواهد ساخت. واردات انبوه فناوری اطلاعات از غرب، سطوح بسیار متفاوت از رفاه مادی و پیشرفت‌های سیاسی برای این کشورها به ارمغان آورده است که از یک طرف ناشی از تفاوت‌های ساختار استعماری‌ای است که کشورهای مزبور داشته‌اند و از طرف دیگر ناشی از توانمندی‌های متفاوت آنها در



راستای بهره‌برداری از فناوری‌های وارداتی. دردیک و وانگ این مطلب را در کتاب خود (۱۹۹۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. نکات اصلی آنها عبارتند از:

۱. ناتوانی فرد دولت‌ها از ایفای یک نقش محوری در تنظیم سیاست و استراتژی، و در بسیج سازمان‌دهی و رهبری این فرآیند؛
۲. فقدان بودجه‌ای کلان طی دوره زمانی پایدار؛
۳. فقدان نیروی انسانی توانمند؛
۴. یک سیستم نظارتی اطلاعاتی ضعیف؛ و
۵. فقدان برنامه‌ریزی درازمدت که باعث می‌شود فناوری در جای مناسب آن مورد استفاده قرار نگیرد.

(۱۹۸۱؛ دردیک و وانگ ۱۹۹۳). به‌طور مثال، مالزی در زمان نخست‌وزیری ماهاتیرمحمد، از سال ۱۹۹۵ سرگرم ایجاد «بردالان چند رسانه‌ای» (MSC) بوده است تا توسعه و صنعتی‌شدن را به فناوری اطلاعات رسانی ربط دهد. هدف وی این است که تا سال ۲۰۲۰، مالزی را به یک کشور پیشرفته بدل سازد.

با وجود این، فناوری اطلاعات به مثابه سلاحی دو لبه است که در عین حال هم تشویق می‌کند و هم تهدید. مک چسنی (McChesney, ۱۹۹۸) استدلال می‌کند که اثرات منفی ارتباطات جهانی از تحرکات تهاجمی شرکت‌های مسلط پشت‌گرم به واسطه فناوری جدید برای به حداقل رساندن هزینه‌ها و نیز از اشاعه سیاست‌های لیبرالیستی نو، نشأت می‌گیرد. شرکت‌های مزبور از پشتیبانی سیاست‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان تجارت جهانی (WTO) و دولت امریکا برخوردارند تا سدها و موانع نظارتی موجود فراراه رسانه‌های بازرگانی و بازارهای ارتباطات راه دور را از میان بردارند. با قرار داشتن قدرت در دستان این نهادهای محدود، بعید به نظر می‌رسد که کشورهای در حال پیشرفت بتوانند واقعاً از سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری اطلاعات و جهانی‌شدن، سود ببرند.

هم‌اکنون، کشورهای در حال پیشرفت که موج فناوری اطلاعات را دنبال می‌کنند بار سنگین اعمال حق انحصار نرم‌افزار به رهبری اتحاد نرم‌افزار تجارت (BSA) را تجربه می‌کنند که با توجه به این که

نرم‌افزارها هر سه ماه یا مدتی در همین حدود، یک‌بار ارتقا می‌یابند، قضیه دشوارتر می‌شود، تقریباً همه نرم‌افزار به کار گرفته شده در جهان سوم از کشورهای پیشرفته می‌آید. فناوری‌های اطلاعات به تدریج صنایع کشورهای جهان سوم را کارآمد می‌سازند. این اعمال فشار زیر آستانه‌ای هم‌اکنون علیه ما انجام می‌گیرد و راه برگشتی برای آن وجود ندارد. ایجاد شبکه‌های اطلاعات رسانی جهانی باز هم شرکت‌های فراملیتی را تقویت می‌کند. (نلسون، ۱۹۹۸:۷) چرا که این شبکه‌ها کار تنظیم و پذیرش ضوابط و مقررات، ارزش‌ها و اولویت‌ها را تحت کنترل خواهد داشت (ساویو، ۱۹۸۰:۱۴۷). آمیزش همه این عوامل، کشورهای در حال پیشرفت را بدان محکوم می‌کند که تا مدت مدیدی درآینده، واردکنندگان صرف اطلاعات و فناوری از غرب باشند. این بدبینی به واسطه این واقعیت که فناوری اطلاعات به کار گرفته شده در کشورهای

■ امپریالیسم اطلاعاتی به عدم توازن جریان اطلاعات، که نه تنها از پیشرفت‌های عظیم فناوری‌های پخش رادیو و تلویزیونی و اینترنتی بلکه از صدور گسترده محصولات فرهنگی غربی، مخصوصاً امریکایی، ناشی می‌گردد، نیز مربوط می‌شود.

لذا، با توجه به این نتایج، جیانگ وانگ (۱۹۹۷:۱۶) نسبت به این استراتژی که واردات فناوری از غرب به مدرنیزه کردن کشورهای جهان سوم کمک خواهد کرد به شدت تردید دارد.

امپریالیسم اطلاعاتی نه تنها به فناوری بلکه به مردم حامی آن نیز مربوط می‌شود.

افراد و شرکت‌های قادر به تولید اطلاعات و بهره‌برداری از فناوری می‌توانند افکار دریافت‌کنندگان را شکل بخشند و آن را شکل خواهند بخشید، و سرانجام در زمینه تبلیغ ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، موقعیت قدرتمندی برایشان فراهم خواهد آورد. بنابراین، در مقاله حاضر، امپریالیسم اطلاعاتی به معنای کنترل اعمال شده بر کشورها از طریق زیرساخت و فناوری مناسب است. ساین بیر (Sinebare, ۱۹۹۷:۲۵) راست می‌گوید که نه تنها محتوا بلکه فناوری نیز باعث می‌شود که اطلاعات از کشورهای پیشرفته به سوی کشورهای در حال پیشرفت جریان یابد و عکس این جریان را مانع شود. از لحاظ فنی، این برنامه‌ریزی، تولید، ویراست و توزیع مقدمات و امکانات شرکت‌های چند شاخه و رسانه‌ای اطلاعات غربی است که آنها را به انتقال و عرضه مجموعه تقریباً نامحدودی از اطلاعات الکترونیکی فراسوی مرزهای ملی، قادر می‌سازد.

در چارچوب شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات راه دور موجود، این شرکت‌های چند شاخه از طریق تعیین این که کشورهای جهان سوم به چه اطلاعاتی می‌توانند دسترسی داشته باشند، قدرت اقتصادی و سیاسی خودشان را تقویت می‌کنند و لذا کشورهای مزبور را در وضعیتی پایین‌تر قرار می‌دهند. این قدرت، ناشی از آمیزه منحصربه‌فردی از عوامل نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. از لحاظ تاریخی، ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۷ به عنوان یک جامعه اطلاعاتی سربرآورد (ماسودا، ۱۹۸۱) و این در حالی بود که اکثر کشورهای جهان سوم هنوز برای کسب استقلال نبرد می‌کردند. باز هم تکرار می‌شود که اگرچه فناوری را می‌توان از خارج وارد کرد، ولی گزینه‌ها باید با محیطی که در آن عمل می‌کنند، هماهنگ باشند. به علاوه، اطلاعات درست به صورتی حاضر و آماده و قابل مصرف عرضه نمی‌شود. فرآیند کندتری از دستیابی به کارشناسان دارای تخصص و مهارت‌های لازم نیز مورد نیاز است. بدین ترتیب جهش به عصر اینترنت و فضای سبیرنتیک، بدون تحولات بنیادین ساختاری و فرهنگی، صرفاً راه را برای استعمار اطلاعاتی هموار خواهد ساخت. اشکال کار در واقع وجود بوروکراسی، روحیه آکادمیک، و محیط قیاسی و استدلالی در کشورهای در حال پیشرفت است و این چیزی است که لو ویپ (Loo and Yap, ۱۹۸۸:۱۳۷) و نلسون (۱۹۹۷:۳۵۷) بدان اشاره می‌کنند. به علاوه، همراه با فرهنگ سبیرنتیک، طبقه تازه‌ای از مردم پدید می‌آیند. کودکان

و نوجوانان بیشتر و بیشتری به صورت گوشه‌گیران منزوی الکترونیکی در می‌آیند که متعاقباً به افرادی خود محور و غیراجتماع بدل می‌شوند.

نتیجه: سیاست اطلاعاتی ملی و نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات

هر چه بیشتر به بررسی امپریالیسم اطلاعاتی در کشورهای جهان سوم پردازیم، مطالب بیشتری راجع به نقش محوری ایفا شده به واسطه رابطه آنها با اربابان استعمارگرشان در گذشته، و یا ایالات متحده در حال حاضر، روشن می‌شود. آزادسازی اقتصادی به معنای آن است که کشورهای غربی به هزینه کشورهای محروم‌تر، از رقابت نامحدود و بی‌قیدوبندی برخوردارند. به دنبال گسترش ماهواره، تلویزیون کابلی،

کتاب، مجله، روزنامه و انبوهی از سایت‌های شبکه اینترنت، کشورهای جهان سوم در حال حاضر زیر رگبار شدیدتر اطلاعات قرار دارند. در این جهان داروبینیستی - اجتماعی آکنده از نابرابری‌های فزاینده، کشورهای دارا باز هم کشورهای نادر را مورد استثمار قرار می‌دهند. مبارزه برای کسب استقلال هنوز به موفقیت نهایی خود دست نیافته است.

اتکا به دانش علمی و فنی غرب بدان معنی بوده است که - به طوری که هم از نظریه مرکز - پیرامون و هم از نظریه وابستگی برمی‌آید - وابستگی همچنان به قوت خود باقی مانده است. نه تنها کشورهای ثروتمند شمال و غرب به عنوان

مراکز تولید اطلاعات و کشورهای فقیر جنوب و شرق به عنوان اقمار و ماهواره‌های آنان عمل می‌کنند، بلکه در حال حاضر تمرکز مالکیت اطلاعات و فناوری در غرب نیز به واسطه رسانه‌های الکترونیکی، تشدید می‌شود. همه این عوامل با هزینه کشورهای فقیر جهان سوم، کشورهای پیشرفته را یاری رسانده‌اند. از آن بدتر این است که در حالی که شرکت‌های رسانه‌ای خارجی شبکه‌های ارتباطات راه دور را ایجاد و کنترل می‌کنند، کنترل حکومت‌های کشورهای جهان سوم در این زمینه کاهش می‌یابد (احمد، ۱۹۷۹؛ اتیش، ۱۹۹۲؛ بارت و کاواناگ، ۱۹۹۴؛ بیترمن، ۱۹۹۵؛ غزالی، ۱۹۹۸؛ هونگ، ۱۹۹۹؛ جیانگ، ۱۹۹۷؛ اوزبورن، ۱۹۸۵؛ نلسون، ۱۹۹۸:۸). چنین می‌نماید که غرب، به سرکردگی ایالات متحده، تا مدت‌های مدید در آینده، همچنان بر گفتمان‌های جهانی استیلا خواهد داشت. این تنها ابرقدرت جهان ظاهراً عزم خود را جزم دارد

■ جهش به عصر اینترنت و فضای سبیرنتیک، بدون تحولات بنیادین ساختاری و فرهنگی، صرفاً راه را برای استعمار اطلاعاتی هموار خواهد ساخت.

■ بخش اعظم اطلاعاتی که امروزه در کشورهای جهان سوم ردوبدل می‌شود، در غرب بسته بندی و تنظیم می‌گردد.

تا قدرت را طوری تغییر شکل دهد که با نیازهای آن متناسب باشد. رئیس‌ان جمهوری جدید، به ویژه جرج دبلیو بوش، غالباً از نظم نوین جهانی سخن رانده‌اند.

کشورهای در حال پیشرفت از امریکایی شدن و استعمارنو به دور نخواهند ماند. این امر سیاست بی‌امان ایالات متحده مبنی بر اشاعه ارزش‌های امریکایی به سایر کشورهای جهان راه، که از زمان وودرو ویلسون جریان داشته است، دنبال می‌کند. آینده کشورهای در حال پیشرفت به موازنه تمامیت و یکپارچگی ملی با جهانی شدن بستگی خواهد داشت.

این که آیا کشورهای در حال پیشرفت در افریقا، آسیا و امریکای لاتین می‌توانند به گونه‌ای این سناریو را تغییر دهند یا خیر. عمدتاً به این بستگی دارد که آنها جایگاه و موضعی اختیار بکنند یا خیر. اکثر کشورهای در حال پیشرفت قادر نیستند میان ملی‌گرایی، منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی، کدام را برگزینند (بارنت و کاواناگ، ۱۹۹۴؛ فنگ و سون، ۱۹۹۹؛ رابرتسون، ۱۹۹۲). هر یک از این فرآیندها ممکن است یا به خود-ویرانگری منجر شود یا به خود-نوسازی. بسیاری از کشورهای در حال پیشرفت، از جمله مالزی، به فناوری اطلاعات به عنوان ابزاری برای پایان بخشیدن به دوره‌ای طولانی از انقیاد، فقر، عقب‌ماندگی و بدبینی روی می‌آورند. آنها براین باورند که فناوری و اطلاعات مرتبط با فناوری اطلاعات،

برقدرتشان خواهد افزود. باوجود این، فناوری اطلاعات و دنیای شبکه‌ای شده همچنان به غرب وابسته است (نلسون، ۱۹۹۸:۷). این امر تا حدودی روشن می‌سازد که چرا کشورهای جهان سوم، با وجود رهاشدن از بسیاری از قیدوبندهای استعمار و انجام تحولات چشمگیر، همچنان از لحاظ فرهنگی تحت سلطه قرار دارند و قادر به جلوگیری از اطلاعات شویی غرب نیستند. در حالی که رهبران کشورهای در حال پیشرفت از بابت کنترل اطلاعات شکوه دارند و هم‌تاهایشان در غرب نیز خویشتن را به صورتی ناعادلانه مورد حمله می‌بینند، جنگ ادامه می‌یابد (ساویو، ۱۹۸۰:۱۴۶-۷) رهبران غرب دوست دارند که بحث بر سر حاکمیت فرهنگی را تمام شده اعلام کنند، چرا که به عنوان مثال، زیرساخت‌های عمده‌ای چون اینترنت، نه تنها ضابطه‌مند نیستند بلکه تا آنجا که به جریان اطلاعات مربوط می‌شود،

خود. متوازن‌کننده نیز هستند. اگرچه درست است که اطلاعات به جایی می‌رود که خواستارشان هستند، ولی همواره از لحاظ محتوی، جنبه عینی ندارد، و یک جریان اطلاعات چند سویه، که البته امر کاملاً بعیدی است، به یک آینده صلح‌آمیزتر کمک خواهد کرد. به طوری که بر همگان روشن است، بخشی عمده جوامع اطلاع‌رسانی در ایالات متحده قرار دارند و این در حالی است که فقط ۱۲ درصدشان در اروپا و ۱۰ درصد در استرالیا و آسیا واقعند (لو ویپ، ۱۹۹۸:۱۳۲). این بدان معنی است که آسیا، افریقا و امریکای لاتین با توجه به زیرساخت ارتباطی ناکارآمدشان، هنوز خیلی مانده است که حضور محسوسی در فضای سبیرنتیک داشته باشند.

نقطه اوج بحث بر سر امپریالیسم اطلاعاتی، فراخوان یک نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO) در دهه ۱۹۷۰ و پیدایش متعاقب سیاست‌های اطلاعاتی ملی در کشورهای مختلف بود. یک الترنتاتیو امپریالیسم اطلاعاتی، «جهانی‌سازی» است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به منظور پیشبرد هویت قومی - فرهنگی و یکپارچگی ملی، مطرح شد. این جنبش‌ها از این شناخت نشأت گرفتند که نظم جهانی اطلاعات، نیاز به تغییر دارد. اهداف اصلی NWICO عبارتند از:

۱. توسعه هر چه سریع‌تر و کارآمدتر صنایع اطلاعات در کشورهای جهان سوم جهت تبدیل آنها از مصرف‌کننده به تولیدکننده؛
۲. از میان برداشتن وابستگی شدید به کشورهای قدرتمند در مبادله جهانی اطلاعات؛ و
۳. تشریح اطلاعات به خاطر منافع دوجانبه و نه به خاطر انقیاد طرف ضعیفتر.

از آن زمان، کشورهای جهان سوم به تلاش‌های هماهنگی برای دگرگون ساختن جریان نابرابر اطلاعات مبادرت ورزیده‌اند. در واقع رهبران همه کشورهای جهان سوم، کشورهای خویش را در مسیر صنعتی کردن اقتصادها و مدرنیزه کردن ملت‌هایشان و پیشبرد هویت قومی - فرهنگی و یکپارچگی ملی، قرار داده‌اند. تاکنون، بسیاری از کشورهای جهان سوم به صورتی غیرقابل انکار به موفقیت‌هایی در بهره‌برداری از فناوری نوین دست یافته‌اند. به طوری که پیش از این عنوان شد، وارد کردن کتاب و نشریه از غرب به‌طور قطع مقرون به

صرفه‌ترین راه دستیابی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشورهای جهان سوم به دوره‌های تحصیلات عالی است.

به همین ترتیب، وارد کردن فیلم‌های سینمایی و ویدئویی از غرب نیز اقتصادی‌ترین راه برای سرگرمی، دست‌کم در ابتدای امر است. به طور کلی، این امر به پیدایش استعمار گفتمانی و به پذیرش ارزش‌های بیگانه‌ای منجر می‌شود که فرهنگ بومی را تهدید می‌کنند. تولید اطلاعات در کشورهای در حال پیشرفت، در سایه اطلاعات نشأت گرفته از غرب انجام گرفته است. بنابراین، در کشورهای در حال پیشرفت، ما با افرادی مواجه می‌شویم که از لحاظ قومی آسیایی، افریقایی یا امریکایی لاتین به شمار می‌روند اما امریکایی‌زده و انگلیسی‌زده هستند تا بدان حد که ارزش‌هایشان کاملاً انگلیسی- امریکایی است. فرایند این تحول، به واسطه پیدایش مراکز جدید فرهنگی و تولید اطلاعات در هند، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور و غیره، به طرز امیدوارکننده‌ای کند شده است. یادآوری این نکته نیز دلگرم‌کننده است که در حال حاضر سایت‌های شبکه و مراکز تحقیقاتی بیشتر و بیشتری در دسترس است که به کمک آن می‌توان اطلاعات دارای محتوا و ارزش‌های محلی را گسترش داد. این امر شاید به مردم جهان سوم کمک کند که بیشتر ابراز وجود کنند و نسبت به جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های فرهنگی تحمیل شده توسط غرب، واکنشی انتقاد آمیزتر داشته باشند.

بسیاری از کشورهای جهان سوم دارای منابع غنی و سنت‌های غرورآمیز هستند. آنها معادن طلای فرهنگ درخشان و بی‌نظیر، سرشار از گیاهان و جانوران شگفت‌انگیز، و مردمانی از گروه‌های قومی متعدد و دارای آداب و سنن، هنرها، صنایع، آوازها و رقص‌های گونه‌گون هستند. ولی این واقعیت وجود دارد که بخش اعظم اطلاعاتی که امروزه در کشورهای جهان سوم ردوبدل می‌شود، در غرب بسته‌بندی و تنظیم می‌گردد. خبرگزاری‌ها، شرکت‌های پخش رادیو و تلویزیونی، کتاب‌ها و نشریات غربی، با ارائه روایت‌های غربی از رخدادها، پیوسته کشورهای جهان سوم را تغذیه می‌نمایند و آنها را با ذهنیت محتوای خود کرخ و بی‌حس می‌سازند. این امر بازتاب دهنده استدلالات‌های هربرت شیلر در کتاب خود موسوم به «ارتباطات جمعی و امپراتوری امریکا» (۱۹۶۹) است که می‌گوید پیامد گسترش اقتصاد و فرهنگ رسانه‌ای ایالات متحده به کشورهای دیگر، به منزله تحمیل ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی امریکا به فرهنگ‌ها و جوامع دیگر بوده و به از میان برداشته شدن فرهنگ‌های محلی در جوامع تأثیرپذیر منجر می‌شود.

گسترش زیرآستانه‌ای فرهنگ غربی، به ویژه امریکایی، به جهان سوم به واسطه سیاست‌های لیبرالیستی نو، تقویت شده

است. این گسترش در مورد صنایع اطلاعاتی محلی، چشمگیر بوده است. به گزارش لی چون واه (۱۹۹۷:۴۰)، در سنگاپور، تصاویر غربی همه جا به چشم می‌خورد. به همین ترتیب، مصرف‌کنندگان در مالزی، نه تنها از رژیم ثابتی از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی غربی برخوردار می‌باشند، بلکه با نمونه‌ای از برنامه‌های تلویزیونی محبوب امریکا نیز آشنا می‌شوند (کارتیگسو، ۱۹۹۱:۱۰۴). بدین ترتیب، هرچه فرستنده‌های تلویزیونی بیشتری تأسیس می‌شود، تعداد برنامه‌های غربی به نمایش گذارده شده نیز بیشتر خواهد شد. □

Ding Choo Ming, از اعضای برجسته هیأت علمی **ATMA**, دانشگاه کبائنگسان، مالزی.

پی‌نوشت‌ها:

- Ahmad, Aqueil (1979). "Flow of Science and Technology Information: The Cases of India and China" in *Media Asia*, 6(2), pp. 79-85.
- Ali, S.M. (1995). "International Cooperation for the Activation of Information Flow" in *Media Asia*, 12(2), pp. 67-71.
- Appadurai, Arjun (1990). "Disjuncture and Difference in Global Cultural Economy" in *Theory, Culture & Society*, 7, pp. 295-310.
- Atish, Muhammad (1992). "International Communications in the 1990s: Implications for the Third World" in *International Affairs*, 68(3), pp. 487-510.
- Barnet, Richard J., and J. Cavanagh (1994). *The Global Dream: Imperials Corporations and the New World Order*. New York: Touchstone Books.
- Bitterman, Mary G. (1995). "Mass Communication and Social Change" in *Media Asia*, 12(1), pp. 67-71.
- Bukhory, Hji Ismail (1989). "Asian News in Four US Newspapers" in *Media Asia*, 16(4), pp. 223-232.
- Clark, Robert P. (1991). *Power and Policy in the Third World*. New York: Macmillan Publishing Company.
- Chomsky, Noam, and Herman Edward (1988). *Manufacturing Consent: The Political Economy of Mass Media*. New York: Pantheon Books.
- Dordick, Herbert S., and Georgette Wang (1993). *The Information Society: A Retrospective View*. London: Sage Publications.
- Fang, Leticia Nien-hsuan, and Sun Se-wen (1999). "Globalization and Identity Politics: Reflections on Globalization Theories from the Taiwanese Experience" in *Asian Journal of Communication*, 9(2), pp. 79-98.
- Ghazali Shafie (1998). *Malay Nationalism and Globalization*. Bangi: Penerbit Universiti Kebangsaan Malaysia.
- Hagiwara, Shigeru, et al. (1999). "The Reception of Global TV in Asia - An Assessment of its Impact on Local Cultures" in *Asian Journal of Communication*, 9(1), pp. 1-19.
- Hamelink, A.B. (1998). *Information Imbalance: Core and Periphery in Questioning the Media: A Critical*

- Perspective" in *Media Asia*, 12(2), pp. 72-76, 79.
- Petersen, Neville (1992). "Asian News Values" in *Media Asia*, 19(4), pp. 183-190.
- Ramaprasad, Jyotika (1998). "Relationship and Communication Values – Their Reflection in Advertising Information Choices of Malaysian Youth" in *Asian Journal of Communication*, 8(1), pp. 132-149.
- Rantanen, Terhi (1990). *Foreign News in Imperial Russia: The Relationship Between International and Russian News Agencies, 1856-1914*, Helsinki: Federation of Finnish Scientific Societies.
- (1997). "The Globalization of Electronic News in the 19th Century" in *Media, Culture & Society*, 19, pp. 605-620.
- Rhiengold, Howard (1993). *Virtual Communities*. New York: Addison-Wesley.
- Roach, Colleen (1997). "Cultural Imperialism and Resistance in Media Theory and Literary Theory" in *Media, Culture & Society*, 19, pp. 47-66.
- Robertson, R. (1992). *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage Publications.
- Said, Edward (1967). *Orientalism*, New York: Vintage.
- Savio, Roberto (1980). "Why the World Needs a New International Information Order" in *Media Asia*, 7(3), pp. 145-149.
- Sen, Abhijit (1993). "The Impact of American Pop Culture in the Third World" in *Media Asia*, 20(4), pp. 208-217, 223.
- Sengupta, Subir, and Katherine T. Frith (1997). "Multinational Corporation Advertising and Cultural Imperialism: A Content Analysis of Indian Television Commercials" in *Asian Journal of Communication*, 7(1), pp. 1-18.
- Sinabare, Musave (1997). "One Way Information Flow: The Case of Australian TV Channels Received in Papua New Guinea" in *Media Asia*, 24(1), pp. 33-39.
- Soban, Abdus (1981). "The Flow of International News with Special Emphasis on Asia" in *Media Asia*, 8(2), pp. 70-74.
- Su, Heng (1999). "All Things Japanese: Children's TV Viewing and Spending on Imported Cultural Goods in Taiwan" in *Asian Journal of Communication*, 9(2), pp. 60-78.
- Wang Mei-Ling (1991). "Who is Dominating Whose Ideology? New York Times Reporting on China" in *Asian Journal of Communication*, 2(1), pp. 51-70.
- Wang, Shujen (1995). "Ideology and Foreign News Coverage: Propaganda" in *Asian Journal of Communication*, 5(1), pp. 110-125.
- Wang, Ying-yu (1999). "Transnationalizing the Local: The Rock Records Story" in *Asian Journal of Communication*, 9(2), pp. 99-115.
- Wells, Alan, and Lee Chun-wah (1995). "Music Culture in Singapore: Record Companies, Retailers and Performers" in *Media Asia* 22:1 pp. 34-40.
- Introduction*. London: Sage Publications.
- Hong, Junhao (1999). "Globalization and Change in Taiwan's Media: The Interplay of Political and Economic Forces" in *Asian Journal of Communication*, 9(2), pp. 39-59.
- Ikuta, Masaki (1985). "Information Flow in Asia" in *Media Asia*, 12(3), pp. 147-150.
- Jiang Wang (1997). "Global Media and Cultural Change" in *Media Asia*, 24(1), pp. 15-22.
- Joshi, S.R. (1996). "Mass Media and Cultural Identity: Issues of Ethnic Co-existence in India" in *Asian Journal of Communication*, 6(1), pp. 124-139.
- Karthigesu, Ranganasamy (1991). "US Television Programmes and Malaysian Audiences" in *Media Asia*, 18(2), pp. 103-115.
- Karthigesu, Ranganasamy and Sankaran Ramanathan (1997). "Asian Social Values and Global Liberalism – Attuning States Policies to the Convergence of Telecommunications Technologies in Malaysia" in *Asian Journal of Communication*, 7(2), pp. 75-86.
- Kausikan, Bilahari (1984). "Human Rights: Asia's Different Standard" in *Media Asia*, 21(1), pp. 45-51.
- Lee Chun Wah (1997). "Relocating Coca-Cola's Cultural Space in Singapore" in *Media Asia*, 24(1), pp. 40-44.
- Loo, Eric, and Yeap Soon Beng (1998). "Cyber-colonialism in Asia: More Imagined Than Real?" in *Media Asia*, 25(3), pp. 130-137, 153.
- Mahbubani, Kishore (1993). "An Asian Perspective on Human Rights and Freedom of the Press" in *Media Asia*, 20(3), pp. 159-166.
- Masuda, Yonjei (1981). *The Information Society as Post-industrial Society*. Tokyo: Institute for the Information Society.
- Menon, Vijay (1985). "Information Flow in Asia – An Overview" in *Media Asia*, 12(2), pp. 63-66, 71.
- Mohd Safar Hasim (1990). "Usage of Foreign News in Five ASEAN Newspapers and Perception of Foreign News in Malaysia" in *Media Asia*, 17(1), pp. 8-16.
- Mus, Chairil Samani (1992). "Sumber Berita: Analisis isi kandungan empat akhbar harian nasional Malaysia" in *Jurnal Komunikasi*, 8, pp. 49-63.
- Nain, Zaharom (1996). "Rhetoric and Realities: Malaysian Television Policy in an Era of Globalization" in *Asian Journal of Communication*, 6(1), pp. 43-64.
- National Geographic Society (1999, August). "Voices of the World".
- Nelson, Michael R., "Sovereignty in the Networked World" in *Annual Review of Institute for Information Studies* pp. 1-22.
- Ohmae, Kenichi (1995). *The End of the Nation State – The Rise of Regional Economies*, Singapore.
- Ohmei, Kenichi (1992). *The Borderless World: Power and Strategy*, London: Collins.
- Orwell George (1949). 1984. Harmondsworth: Penguin Books.
- Owen, Ursula (1997). "Gateways to Freedom: Libraries and the Next Millennium" in *IFLA Journal*, 23(5/6), pp. 356-361.
- Osborne, C.G.W. (1985). "The Information Flow Approach in the Study of International Communication – A Critical